

پپ گوار دیولا؛ پیروزی به عبارت دیگر

گیلم بالاکه

مقدمه‌ای از سر الکس فرگوسن

ترجمه‌ی حسن گازر



کتاب کوچه پستی



بالاگه، گیلیم	سرشناسه
Balaghi, Guillem	
پپ گواردیولا؛ پیروزی، اعتبار، دیگر / نوشته گیلیم بالاگه؛ با مقدمه‌ای از الکس فرگوسن: [مترجم] حسین گارزر	عنوان و نام پدیدآور
تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۵	مشخصات نشر
۴۷۲ ص: مصور	مشخصات ظاهری
978-600-8211-28-0	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
Pep Guardiola: Another Way of Winning: The Biography	عنوان اصلی: یادداشت
گواردیولا، پپ، ۱۹۷۱ - م	موضوع
Guardiola, Pep	موضوع
فوتبالیست‌ها -- اسپانیا -- بارسلونا -- سرگذشتنامه	موضوع
Soccer players -- Spain -- Barcelona -- Biography	موضوع
گارزر، حسین، ۱۳۶۴ - مترجم	شناسه افزوده
فرگوسن، الکس، ۱۹۴۱ - م، مقدمه‌نویس	شناسه افزوده
Ferguson, Alex	شناسه افزوده
۱۳۹۵ پ گ ۹/۹۴۲/۹۷۷	رده بندی کنگره
۳۳۴۰۹۲/۷۹۶	رده بندی دیویی
۴۲۵۸۲۸۰	شماره کتابشناسی ملی



پپ گوار دیولا پیروز: به عبارت دیگر
گیلم الله

ترجمه‌ی حسین دایر

شابک: ۸۰-۲۸-۸۲۱۱-۶۰۰

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۵

ویراستار: امیرحسین فاضلی مقدم

طراح جلد: احمد شهبازی

صفحه‌آرا: آتلیه‌ی کوله‌پشتی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۱۲۳۹۵۸، ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: ketabekoolehposhti

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲
کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه‌ای از سر الکس فرگوسن	۷
ر.م. بیست و هفتم می سال ۲۰۰۹: فینال لیگ قهرمانان اروپا	۱۳
مقدمه	۱۵
بخش اول: چرا پپ باشگاه را ترک کرد؟	۲۵
۱- دلایل	۲۵
۲- نسیم	۴۸
بخش دوم: دهکده سنت پدرو تا استادیوم نیوکمپ	۵۳
بخش سوم: پپ می	۱۴۹
۱- آغاز کار	۱۴۹
۲- نتیجه عجیب	۱۹۳
۳- شش عنوان قهرمانی در یک سال	۲۱۱
۴- دو فینال لیگ قهرمان	۲۳۶
۴-۱- بارسلونا در مقابل منچستر یونایتد: سال ۲۰۰۹	۲۳۷
۴-۲- بارسلونا در مقابل منچستر یونایتد: مبلی ۲۰۰۱	۲۵۴
۵- پپ و بازیکنانش	۲۷۱
۶- پپ گواردیولا و ژوزه مورینیو	۳۲۰
۷- خدا حافظی پپ از بارسلونا، اما قبل از آن، یک فینال دیگر	۳۷۲
بخش چهارم: دور از خانه، مونیخ	۴۱۱
ضمیمه ۱: لاماسیا	۴۴۷
ضمیمه ۲: آمار و ارقام	۴۵۳
تصاویر	۴۵۹

مقدمه از سر الکس فرگوسن^۱

من نتوانستم با پپ گواردیولا^۲ به عنوان یک بازیکن قرارداد ببندم حتی زمانی که متوجه شد که دیگر آینده‌ای در تیم بارسلونا برای او رقم نخواهد خورد. اگرچه در آن زمان او دلیل مشهود و بارزی برای ترک باشگاهش نداشت، با او صحبت کردم، تصور می‌کردم که شانس خوبی برای جذب او دارم اما شاید زمانش هنوز فرا نرسیده رد، او بازیکنی مثل پل اسکولز^۳ بود و این امر برایم جالب به نظر می‌رسید. او کاپیتان، رهبر بازی،^۴ دانه تیم رویایی یوهان کرایوف^۵ افسانه‌ای بود. او بسیار خونسرد و آرام نشاء می‌داد و به راحتی با توپ کار می‌کرد و نبض بازی را در دست داشت و همین توانایی،^۶ را به بکم از بزرگ‌ترین بازیکنان دورانش تبدیل کرده بود. من در جستجوی چنین بازیکنی به دم و به همین دلیل با خوان سباستین ورون^۷ قرارداد بستم. گاهی به یک بازیکن و «مأء آلی و شگفت‌انگیز توجه می‌کنی و با خودت می‌گویی: «چی می‌شد من این بازیکن در تیمم؟ چستریونایتد داشتم؟» من چنین تصویری از پپ گواردیولا را در ذهنم می‌پروراشتم.

من می‌توانم موقعیت پپ را به عنوان یک بازیکن درک کنم. وقتی در تیمی مثل بارسلونا بازی می‌کنی، تصور می‌کنی که جایی برای زندگی نداری. بنابراین وقتی که ما با او تماس گرفتیم، شاید فکر می‌کرد هنوز آینده‌ای در بارسلونا دارد اگرچه قراردادش در پایان آن فصل با این تیم تمام می‌شد. شرم آور است زیرا چیزی برای

1. Sir Alex Ferguson

2. Pep Guardiola

3. Paul Scholes

4. Johan Cruyff

5. Juan Sebastián Verón

پپ گواردیولا: پیروزی به عبارت دیگر ۸ گلیم بالا که

زندگی در فوتبال وجود ندارد. سن و زمان با تو حرکت می کند و زمانی فرا می رسد که تو و باشگاه مجبور به پذیرفتن آن هستید.

آن موقع براین تصور بودم که ما داریم راه حلی به پپ می دهیم، مسیری متفاوت در حرفه اش، اما این راه حل مؤثر واقع نیفتاد. این امر من را به یاد گیری نویل می اندازد، او از سن دوازده سالگی در منچستر یونایتد بازی می کرد و این تیم تقریباً ۱۰ سال خانم اده او بود؛ مانند پسری که می توانی به او تکیه کنی، به او اعتماد داری، گری همیشه یک عضو ثابت در ترکیب تیم بود، اما روزی همه این ها به پایان می رسند. راه پپ درک اینکه همه چیزی برایش به پایان رسیده، می بایست بسیار دشوار بوده باشد. من می توانستم شک و تردیدها و تاخیر او را در تصمیم گیری درک کنم، اما من می دانستم که می بایست به چیز دیگری فکر می کردم، آن فرصت دیگر از دست رفت.

چیزی که توجه من را در راه پپ، گواردیولا جلب کرده بود و موضوع ضروری و حیاتی برای موفقیت چشمگیری به عنوان یک مربی تواضع او بود. پپ هرگز سعی نکرده که نگاهی غضبناک داشته باشد. او بسیار قابل احترام است و همین امر بسیار حائز اهمیت می باشد. داشتن چنین ویژگی هایی بسیار خوب است. اگر به گذشته برگردیم، به وضوح درمی یابیم که او در دوران حرفه اش فروتن و بی ادعا بوده است. پپ به عنوان یک بازیکن هرگز در صفحات اول روزنامه ها نبود. اما با اطمینان بازی می کرد. او بسیار سریع نبود اما یک به یک با تیمت بازی می ساز و خارق العاده بود. به عنوان یک مربی، در نحوه بازی تیمش بسیار منظم و قانون مند است. اما چه تیمش برنده شود و چه ببازد، پپ همیشه همان فرد با اعتماد و پرازنده است. صادقانه بگویم: فکر می کنم داشتن چنین فردی در این حرفه بسیار عالی است. به نظر می رسد که او در کار مربی گری اش به جایی رسید که از اهمیت شغلش در بارسلونا آگاه بود، تیمی که انتظارات از آن بسیار بالاست. من مطمئنم که پپ زمانی را با سوالات و افکار زیر گذرانده است:

چه قدر طول می کشد که این دوران به پایان برسد؟ آیا می توانم تیم دیگه ای رو بسازم که عناوین مختلفی به دست بیاره؟ آیا می توانم به تیم دیگه رو قهرمان اروپا کنم؟ آیا می توانم این سطح از موفقیت حفظ کنم؟ اگر زمانی برای نصیحت کردن او به دست آورده بودم به پپ می گفتم: نگران نباش؛ یک شکست در لیگ قهرمانان توانایی های مربی گری تو را زیر سؤال نمی برد و تیمت را به چالش نمی کشد. من این فشار را درک می کنم، هر زمانی که تیم گواردیولا بازی می کرد همه می خواستند آن ها را شکست بدهند. در حقیقت من فکر می کنم او در بهترین موقعیت بود و بهترین مانس را داشت، چون تنها چیزی که می بایست نگرانش می بود، چگونگی تجزیه و تحلیل تیم مقابل و ممانعت از پیروزی آن ها بود.

من شخصاً فکر می کنم که باید ادامه داد. بنابراین چرا رفت؟ سؤال درباره چگونگی اداره کردن بازیکنان و یافتن تاکتیک های جدید است زیرا تیم ها شروع به استفاده از سبک بازی را می دادند. سؤال بعدی درباره انگیزش بازیکنان مطرح می شود. به عقیده من، یک انسان مدتی می خواهد کارهایی را انجام دهد که بسیار آسان و در زندگی امکان پذیر هستند. من افرادی را می شناسم که در سن پنجاه سالگی بازنشست شده اند. از من پرسید چرا؟ انگیزه ای که اکثر افراد دارند متفاوت از افرادی مانند اسکولز، گیگز، ژالان، مسی^۳ و پویول^۴ می باشد، تا آنجایی که من می دانم این بازیکنان انسان های خاص هستند و انگیزه برای آن ها حائز اهمیت نمی باشد، غرورشان را بر همه چیز ترجیح می دهند. و من مطمئنم که تیم پپ پر از انواع شخصیت هایی بود که نمونه ای برای دیگران و منبع انگیزه برای آن ها بودند. آن ها افرادی نبودند که بخواهند خیلی زود بازنشسته شوند. من جرارد پیکه را از زمانی که در منچستر یونایتد بودم می شناسم، و را

1. Giggs

2. Xavi

3. Messi

4. Puyol

می‌شناسم، در خارج زمین او بسیار متواضع و فروتن، اما در داخل زمین یک بازیکن برنده است. او در اینجا یک برنده بود و ما نمی‌خواستیم که تیم ما را ترک کند، در بارسلونا هم برنده است.

بازیکنانی که پپ در اختیار داشت نیازی به انگیزه زیادی نداشتند. شاید پپ توانایی‌های انگیزشی‌اش را دست‌کم می‌گرفت. می‌توانید ببینید که او با تیم بارسلونا به چه موفقیت‌های مداومی دست یافت. شما باید استعداد خاصی داشته باشید تا بتوانید بازیکنان خود را در آن سطح، آماده‌ی رقابت و این چنین طولانی موفق نگه دارید. اما متقاعد شدم که او سلاح‌های کافی برای انجام دوباره این کار را دارد.

او بارها می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. گواردیولا در دوره چهار ساله‌اش در بارسلونا به چه چیزی را به دست آورد که مربیان قبلی نتوانستند در نیوکمپ کسب کنند. را این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنم: فن خال، ریکارد^۱ و کرایف. اما گواردیولا در دست دیگر به جاهای خاصی رسید مانند: حفظ توپ، سبک منظم بازی بارسلونا و شایستگی کاری، او در دنیا زبان‌زد خاص و عام شد. پپ فرهنگی را خلق کرد که در آن بازیکنان می‌دانند که اگر به سختی تلاش نکنند، نمی‌توانند در باشگاه باقی بمانند. باور کنید چنین چیزی به آسانی به دست نمی‌آید.

حرکت بعدی پپ پس از اتمام قرارداد^۲ به چه چیزی می‌تواند باشد؟ آیا او به لیگ برتر می‌آید یا نه؟^۳ همیشه نظریه‌های مختلفی درباره آینده او وجود خواهد داشت. او در بارسلونا در یک تیم رؤیایی حضور داشت. پپ به چیزهای بهتری در تیم‌های دیگر نخواهد رسید. در واقع به هرجا که برود، در هر تیمی مشابه خواهد بود: او یک مربی است، باید تصمیم بگیرد که چه چیزی برای تیمش بهتر است، درباره انتخاب بازیکنان و تاکتیک‌های آن‌ها. آن‌هم این‌گونه آسان است، هرجا

1. Van Gaal

2. Rijkaard

۳. در آن زمان، هنوز وضعیت آینده پپ مشخص نبود. گواردیولا سال ۲۰۱۳ به بایرن مونیخ پیوست.

۴. گواردیولا در نهایت در تابستان ۲۰۱۶ به منچستر سیتی پیوست.

که بروی باید چنین کاری انجام دهی زیرا در این حرفه همه مربیان تحت فشارند. من در منچستر یونایتد سال‌های مدیری موفق بودم و این امر هم مسائل و مشکلات خودش را داشت. هر ساعت و هر روز باید با مشکلات مختلف روبرو شوی و به اینجا می‌رسی که در دنیای فوتبال در حال دست و پنجه نرم کردن با انسان‌های مختلف هستی. نگرانی‌های زیادی در اینجا وجود دارد: کارگزارها، خانواده، آمادگی، مصدومیت‌ها، سن، موضوعات شخصی، شخصیت‌ها و غیره. اگر پپ به باشگاه دیگری می‌رفت، سؤالات همان‌هایی بودند که او در گذشته با آن‌ها روبرو برد. انتظارات او را احاطه می‌کردند.

بابران چرا؟ چرا او می‌خواست بارسا را ترک کند، اگر قبل از اینکه پپ تصمیم خود را اعلام کند این را از من می‌پرسیدید، حتماً می‌گفتم که او احماق است که شغلش را در بارسا ترک می‌گذارد. اگر به تیم رئال مادرید نگاه کنید، تیمی که پنج جام اروپایی را در اوایل دهه پنجاه و اوایل دهه شصت به دست آورده است، متوجه می‌شوید که دلیلی ندارد بتواند با بارسا سلونا چنین کاری را انجام دهد. اگر من این تیم را داشتم، چنین امری انگیزه شخص را می‌شد. اگر من پپ بودم ترک کردن بارسا سخت‌ترین تصمیم‌گیری‌ام بود.

سر الکس فرگوسن

بهار ۲۰۱۲